

گفت‌وگو

رامین بیات

روزنامه نگار

در سال‌های اخیر، چالش‌های مالی صندوق‌های بازنشستگی به یکی از معضلات اساسی اقتصاد ایران تبدیل شده است. این صندوق‌ها که قرار بود با بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه، پشتوانه‌ای مطمئن برای مستمری‌بگیران باشند، به‌دلیل سوءمدیریت، عدم شفافیت و وابستگی بیش از حد به منابع دولتی، به بنگاه‌هایی ناکارآمد و زیان‌ده تبدیل شده‌اند.

در سال‌های اخیر، اصلاح نظام بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی از سوی کارشناسان، به‌عنوان یک راهکار کلیدی مطرح شده است که می‌تواند زمینه‌ساز بهبود وضعیت اقتصادی کشور و تضمین پایداری مالی مستمری‌بگیران باشد. اجرای صحیح این اصلاحات نه‌تنها موجب افزایش کارایی شرکت‌های زیرمجموعه خواهد شد، بلکه نقش بخش خصوصی در اقتصاد را تقویت کرده و از دخالت‌های غیرضروری دولت در این حوزه می‌کاهد. با این حال، این مسیر اصلاحی با چالش‌هایی همراه است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت علمی و نظارت شفاف برای جلوگیری از بروز مشکلات جدید در فرایند واگذاری‌ها و تغییر ساختار مدیریتی صندوق‌هاست.

اصلاح بنگاه‌داری صندوق‌ها

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در همین زمینه با اشاره به مصوبه اصلاح نظام شرکت‌داری در صندوق‌های بازنشستگی کشوری، گفت: «یکی از اقدامات اساسی برای بهبود وضعیت عمومی ایران اصلاح بنگاه‌داری در صندوق‌های بازنشستگی است. برخی گروه‌ها اقدام مهمی را که دولت در حال انجام آن است وارونه جلوه می‌دهند.»

میدری با بیان اینکه صندوق‌های بازنشستگی کشور پیش‌ران‌های اقتصاد کشور را در اختیار دارند، افزود: «در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ این صندوق‌ها در اختیار دولت بود (وزارت صمت، وزارت اقتصاد، وزارت نیرو)، اما وقتی به صندوق‌های بازنشستگی منتقل شدند، متأسفانه بنگاه‌داری این صندوق‌ها بدتر از بنگاه‌داری دولت بود.» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیان کرد: «اگر زمانی این شرکت‌ها وابسته به دولت بودند، نظمی حداقلی در انتخاب مدیران حاکم بود، اما امروز فقط به اراده یک نفر می‌توان هرکسی را به‌عنوان مدیر عامل مهم‌ترین شرکت‌های ایران انتخاب کرد، و این مدیریت ناکارآمد علت زیان‌ده شدن آن‌هاست.»

او با اشاره به اینکه در این مصوبه، دولت متعهد به پرداخت حقوق بازنشستگان و رفاهیات آنان است، ادامه داد: «دولت متعهد می‌شود تا نفر آخری که در این صندوق‌ها هست، حقوقش را دریافت کند. قدم اول این مصوبه اصلاح شرکت‌هاست. در گام بعدی، پس از سپردن شرکت‌ها به سازمان تأمین اجتماعی، شرکت‌ها وارد بورس می‌شوند و این عدم شفافیت‌ها پایان می‌یابد.»

وزیر تعاون با تأکید بر اینکه سازمان تأمین اجتماعی هم قرار نیست بنگاه‌داری کند، یادآور شد: «دولت طبق برنامه هفتم باید از بنگاه‌داری خارج شود. از طرفی، تا زمانی که بنگاه‌ها دولتی هستند یا زیر نظر صندوق‌ها قرار دارند، مطمئن باشید نه سودی برای صندوق‌ها دارند و نه می‌توان با آن‌ها اشتغال ایجاد کرد یا تورم را پایین آورد.» میدری گفت: «سازمان تأمین اجتماعی نیز به این واگذاری راضی نیست، ولی چون دولت پول نقد و سهام ندارد، این واگذاری با کمک دولت سامان داده می‌شود.»

این مقام مسئول، با تأکید بر اینکه مقام سیاسی نباید

گزارش

تجارت خارجی هر کشور، به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی، نقشی کلیدی در رشد و توسعه آن ایفا می‌کند. میزان صادرات و واردات نه‌تنها بازتاب‌دهنده ظرفیت‌های تولیدی و صنعتی کشور است، بلکه نشان‌دهنده جایگاه آن در زنجیره تأمین جهانی و روابط تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود. بررسی روند مبادلات تجاری ایران در سال‌های اخیر، بیانگر تغییرات قابل توجهی در میزان صادرات و واردات بوده که تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون سیاست‌های تجاری، تغییرات نرخ ارز، وضعیت اقتصادی شرکای تجاری و تحولات بین‌المللی قرار داشته است.

بررسی آخرین آمار گمرک ایران از وضعیت تجارت غیرنفتی کشور، طی یازده ماهه امسال، نشان می‌دهد که مبادلات تجاری در این مدت به ۱۷۶ میلیون و ۱۰۲ هزار تن به



در انتخاب مدیر شرکت مداخله کند و این‌یک الگوی جهانی است، توضیح داد: «من به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نباید ۷۰۰ شرکت را مدیریت کنم. این‌ها تصمیمات اجتناب‌ناپذیری بوده که قبلاً گرفته شده و حتماً خطا در آن بوده و ما امدیم این خطا را تصحیح کنیم. این یک قدم اصلاحی بوده تا بتوان موتورهای اقتصاد ایران رانجات داد.»

میدری با تأکید بر اینکه بازنشستگان در این مصوبه به مشکل برنمی‌خورند، اضافه کرد: «زیان این مصوبه برای آن‌هایی است که در شرکت‌ها سوءاستفاده می‌کنند. هر وقت خواستیم به کار شرکت‌ها سامان بدهیم، عده‌ای با دروغ‌پراکنی و دادن اطلاعات نادرست، سعی در انحراف از مسیر درست تغییر دارند. متأسفانه این‌گونه منتقل شد که ما می‌خواهیم شرکت‌ها را از بازنشستگان بگیریم و بعد آن‌ها دچار مشکل می‌شوند.»

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با اشاره به حساسیت این تصمیم برای دولت، گفت: «ما یقین داریم که این کار به نفع بازنشستگان است. اگر ما از تغییر ترسیم، هیچ‌کس نفع نخواهد برد و باید کمک کنیم تا برای خود و فرزندانمان این شرکت‌ها را در روند اصلاحی قرار دهیم.»

ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها

حمید حاجی‌اسماعیلی، کارشناس مسائل اقتصادی، در گفت‌وگو با آتیه‌نو با اشاره به اینکه اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی موفقیت‌آمیز نبوده، گفت: «از سال ۱۳۸۴ که این سیاست‌ها ابلاغ شده و دولت‌ها ملزم به پیگیری آن بوده‌اند، لزوم بررسی وجود دارد که آیا اجرای آن‌ها با موفقیت همراه شده یا خیر. این در حالی است که فعالیت دولت در بخش‌های اقتصادی همواره به‌عنوان یک رقیب جدی و مانع برای فعالیت‌های مردمی و بخش خصوصی عمل کرده است.»

او افزود: «سال‌ها این روند ادامه یافت و مانع شکل‌گیری بخش خصوصی واقعی شد. هرگاه یک فعالیت اقتصادی مردمی یا خصوصی شکل گرفت، به دلایل مختلف، از پا گرفتن آن فعالیت جلوگیری به عمل آمد که نتیجه آن ایجاد ناامنی در بخش سرمایه‌گذاری بود.»

حاجی‌اسماعیلی ادامه داد: «دولت که همین‌الان حدود ۸۵ درصد اقتصاد کشور را در دست دارد، همچنان مانع و رقیب جدی برای بخش خصوصی به‌شمار می‌آید. این اولین انحرافی بود که در مسیر فعالیت‌های اقتصادی کشور رخ داد.» این کارشناس مسائل اقتصادی، با بیان اینکه ناترازی مالی صندوق بازنشستگی کشوری ناشی از ناکارآمدی شرکت‌های وابسته به آن است که معمولاً به‌صورت

صندوق‌های بازنشستگی بنگاه‌دار نیستند

حاجی‌اسماعیلی، با اشاره به اینکه در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی برای تأمین هزینه‌ها و پرداخت مستمری بازنشستگان با مشکلاتی روبه‌روست، اضافه کرد: «بنابراین، اصلاحات اساسی در این نهاد و شرکت‌های وابسته به آن ضروری است. این اصلاحات باید شامل مواردی همچون تخصص‌گرایی در مدیریت شرکت‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، استفاده از محاسبات اکچوئری و روش‌های علمی در تصمیم‌گیری‌های مالی، مدیریت هزینه‌ها و کاهش مداخلات سیاسی و دولتی در مدیریت این نهادها باشد.»

این کارشناس مسائل اقتصادی افزود: «اگر این اصلاحات به‌طور جدی پیگیری نشوند، با ورشکستگی و ناکارآمدی گسترده‌تری در شرکت‌های وابسته به صندوق‌ها مواجه خواهیم شد. در نهایت این مسئله آسیب‌های جبران‌ناپذیری به ساختار اقتصادی کشور وارد می‌کند.»

راهکارهای نوین تأمین مالی

توسعه ابزارهای نوین مالی، به‌عنوان یکی از راهکارهای کلیدی برای کاهش وابستگی به دولت و افزایش بهره‌وری دارایی‌های این صندوق‌ها مطرح شده است. انتشار اوراق مشارکت و اوراق قرضه با پشتوانه دارایی‌های نهاد‌های مذکور، یکی از مهم‌ترین ابزارها در این رابطه به‌شمار می‌رود. این اوراق زمینه جذب سرمایه‌های خرد و کلان را از بازارهای مالی فراهم می‌کنند. در این میان، طراحی اوراق بدهی با نرخ سود متناسب با تورم، جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده و از کاهش ارزش واقعی سرمایه در طول زمان جلوگیری می‌کند.

ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی نیز یکی دیگر از راهکارهایی است که نقدشوندگی دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی را بالا برده و تنوع بیشتری در منابع درآمدی آن‌ها ایجاد می‌کند. با تشکیل این صندوق‌ها، مدیریت دارایی‌ها به شیوه‌ای حرفه‌ای‌تر و شفاف‌تر صورت می‌گیرد و زمینه برای حضور سرمایه‌گذاران خصوصی در این بخش نیز فراهم می‌آید. سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مولد، از دیگر اقدامات مهمی است که به پایداری مالی صندوق‌های بازنشستگی یاری می‌رساند. این صندوق‌ها به‌جای تمرکز بر مالکیت و اداره مستقیم شرکت‌های اقتصادی، می‌توانند در بخش‌هایی با بازدهی بالا نظیر زیرساخت‌ها، مسکن، انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین سرمایه‌گذاری کنند.

از سوی دیگر، بهره‌گیری از فناوری‌های مالی بافین‌تک‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، نقش مهمی در مدیریت بهینه دارایی‌های این صندوق‌ها ایفا می‌کند. این فناوری‌ها امکان بهینه‌سازی سبد سرمایه‌گذاری، تحلیل داده‌های مالی در مقیاس کلان و پیش‌بینی نوسانات بازار را فراهم می‌آورند.

در کنار این اقدامات، ایجاد بازارهای ثانویه برای دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی نیز به افزایش نقدشوندگی سرمایه‌گذاری‌ها منجر می‌شود. توسعه بازارهای اختصاصی برای اوراق مشارکت بازنشستگی و راه‌اندازی سامانه‌های معاملاتی دیجیتال از جمله اقداماتی است که می‌تواند فرایند خریدوفروش دارایی‌های این صندوق‌ها را تسهیل کرده و شفافیت مالی را افزایش دهد.

در نهایت، اجرای موفق این راهکارها مستلزم اصلاحات ساختاری در حوزه حاکمیت شرکتی و قوانین نظارتی است. ایجاد چارچوب‌های حقوقی مناسب برای مدیریت حرفه‌ای صندوق‌های بازنشستگی و کاهش مداخلات در تخصیص منابع مالی، از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. با اتخاذ این رویکردها، می‌توان زمینه پایداری مالی این صندوق‌ها را فراهم کرد.

کارنامه تجارت خارجی ایران در یازده ماهه نخست سال جاری

آمار گمرک از دادوستد ۱۱۷ میلیارد دلاری خبر می‌دهد

۱۰ میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار منفی ثبت شده است. محمدعلی دهقان دهنوی، رئیس سازمان توسعه تجارت ایران، چندی پیش در این خصوص اعلام کرد: «امسال وضعیت تراز تجاری غیرنفتی همچنان منفی است، اما بهتر از پارسال شده است. البته بخش عمده‌ای از این تراز تجاری منفی به دلیل افزایش واردات طلاست.»

۸۳ درصد تجارت ایران با هفت کشور

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این بازه زمانی، هفت کشور چین، عراق، امارات متحده عربی، ترکیه، افغانستان، پاکستان و هند عمده مقاصد صادراتی کالاهای ایرانی بوده‌اند. بر همین اساس، چین با ۱۳.۸ میلیارد دلار، عراق با ۱۱.۲ میلیارد دلار، امارات متحده عربی به ۶.۶ میلیارد دلار، ترکیه با ۶.۴ میلیارد دلار، افغانستان با ۲.۲ میلیارد دلار، پاکستان با ۲.۰ میلیارد دلار و هند با ۱.۸ میلیارد دلار، هفت کشور عمده مقصد

صادراتی کشورمان بوده‌اند. سه قلم عمده کالاهای صادراتی در یازده ماهه سال جاری عبارت‌اند از: گاز طبیعی با ۶.۶ میلیارد دلار، پروپان مایع‌شده با ۳.۳ میلیارد دلار و متانول با ۲.۱ میلیارد دلار. این کشورها در مجموع ۸۲ درصد از وزن و ۸۳ درصد از ارزش کل صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در مقابل، هفت کشور شامل امارات متحده عربی با ۱۹.۱ میلیارد دلار، چین با ۱۶.۶ میلیارد دلار، ترکیه با ۱۱.۱ میلیارد دلار، آلمان با ۲.۱ میلیارد دلار، هند با ۱.۴ میلیارد دلار، فدراسیون روسیه با ۱.۲ میلیارد دلار و هنگ‌کنگ با ۱.۲ میلیارد دلار، عمده شرکای وارداتی کشورمان در یازده ماهه امسال بوده‌اند.

طلا به اشکال خام با ۷.۳ میلیارد دلار، ذرت دامی با ۲.۷ میلیارد دلار و تلفن‌های همراه هوشمند با ۲.۱ میلیارد دلار، سه قلم عمده کالای وارداتی در این مدت بوده‌اند.

دولت

سید فرزاد هاشمی

کارشناس اقتصادی

تورم مهارشدنی است

موضوع تورم همیشه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات تاریخ اقتصاد ایران مطرح بوده و مدت‌هاست که در کانون توجه قرار دارد. در این میان، عوامل به‌وجودآورنده این پدیده و راه‌های کنترل آن نیز بسیار مهم و قابل توجه هستند.

ذکر این نکته ضروری است که تورم نیازمند رسیدگی فوری است، چرا که در صورت نهادینه‌شدن، به یک معضل مزمن تبدیل شده و کنترل آن دشوار می‌شود. از سوی دیگر، مهم‌ترین تأثیر تورم کاهش قدرت خرید افراد است، به‌ویژه آن دسته از اقشار جامعه که درآمد‌های ثابتی دارند، مانند کارگران و کارمندان، افرادی که حقوقشان به‌صورت سالیانه و براساس قراردادهای ثابت تعیین می‌شود، بیشترین آسیب را از تورم می‌بینند. برای مثال، اگر نرخ تورم در کشور حدود ۵۰ درصد باشد، به این معناست که قدرت خرید افراد نیز تقریباً به همین میزان کاهش یافته است. به بیان دیگر، اگر فردی در سال گذشته می‌توانست کالایی را با ۱۰۰ واحد پولی خریداری کند، اکنون باید ۱۵۰ واحد بپردازد تا همان کالا را تهیه کند.

در مقابل، افرادی که درآمدشان ثابت نیست (مانند صاحبان مشاغل آزاد و برخی اصناف)، معمولاً می‌توانند اثرات تورم را تا حدی جبران کنند. این گروه با افزایش قیمت خدمات و کالاهای خود، تورم را به مشتریان منتقل می‌کنند. از این رو، تأثیر تورم بر این افراد معمولاً کمتر از کارمندان و کارگران ارزیابی می‌شود.

از طرفی، تورم یک پدیده بلندمدت قلمداد شده و کنترل آن نیازمند سیاست‌های پایدار و زمان‌بر است. دولت شهید رئیسی، طی سه سال، تورمی بالا را تجربه کرد و اکنون دولت چهاردهم وارث این وضعیت به‌شمار می‌رود. بنابراین، اصلاحات اقتصادی در کوتاه‌مدت تأثیر محسوس نخواهد داشت. خط‌مشی‌های حمایتی اخیر، به‌ویژه یارانه‌های معیشتی، در کوتاه‌مدت امکان دارد کمی از فشار اقتصادی بکاهد، اما کاهش فشار اقتصادی بر معیشت مردم نیازمند سیاست‌های بنیادی‌تر و پایدارتر است.

شرایط بهبود وضعیت اقتصادی افراد، به‌ویژه کارگران و حقوق‌بگیران، مسئله‌ای است که باید با دقت و احتیاط درباره آن صحبت کرد. از یک‌سو، توصیه نمی‌شود که دولت با افزایش حجم پول و چاپ اسکناس، کسری بودجه خود را جبران و قدرت خرید مردم را افزایش دهد، چرا که این اقدام به تورم‌های مضاعف منجر خواهد شد.

یکی از راه‌های بهبود اقتصاد حمایت از تولیدکنندگان و صادرکنندگان کالا و خدمات است. این حمایت می‌تواند به‌صورت ارائه یارانه، کاهش مالیات و عوارض یا پشتیبانی فنی، مهندسی و خدماتی از شرکت‌های صنعتی و کشاورزی صورت گیرد. دولت باید به این موارد توجه ویژه داشته باشد. برای کاهش تورم، ضرورت دارد دولت از مزیت‌های نسبی کشور بهره‌برد. یکی از این مزیت‌ها بخش کشاورزی است که به دلیل دسترسی به زمین‌های حاصلخیز و منابع طبیعی، پتانسیل بالایی دارد. با سرمایه‌گذاری اندک در این بخش، می‌توان کشت و صنعت را توسعه داد و فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کرد. به‌ویژه در حومه شهرهای بزرگ، با مشارکت بخش خصوصی و ایجاد شرایط مناسب، این امکان وجود دارد که نیروی کار را به فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی سوق داد. دولت می‌تواند بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در این حوزه ترغیب کند و در صورت نیاز، به‌عنوان شریک یا حامی مالی وارد عمل شود. این حمایت از طریق وام‌های ارزان قیمت، کاهش هزینه‌های مشاوره‌ای یا حتی مشارکت کوتاه‌مدت در سهام شرکت‌ها صورت می‌گیرد. در نهایت، هدف این است که اشتغال ایجاد شده و وابستگی اقتصاد به سیاست‌های حمایتی کاهش یابد.

یکی دیگر از خط‌مشی‌های کلیدی برای بهبود وضعیت اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی به‌شمار می‌رود. برخی کشورها مانند چین و مالزی، با وجود اختلافات با غرب، توانسته‌اند روابط اقتصادی قوی برقرار کنند و از این طریق، رفاه عمومی را افزایش دهند. ایران نیز باید از این الگو پیروی کرده و با در نظر گرفتن منافع ملی، تعاملات اقتصادی خود را گسترش دهد. این در حالی است که تحریم‌ها یک واقعیت غیرقابل انکار در اقتصاد ایران هستند. در پایان، مهار تورم نیازمند عزم ملی، سیاست‌های پایدار و همکاری بین‌بخش‌های مختلف اقتصادی است. تنها با اتخاذ راهکارهای بلندمدت و جامع می‌توان امیدوار بود که اقتصاد ایران از چرخه تورم خارج شده و به سمت ثبات و رشد پایدار حرکت کند.